



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین‌المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 Septembre 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

اثربخشی قصه درمانی بر شایستگی هیجانی-اجتماعی و باورهای غیرمنطقی در کودکان طلاق

پریسا درویشی

دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد، نجف آباد، ایران

Darvish.psy@gmail.com

زهرا جعفری

استادیار روانشناسی و هیئت علمی وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد، نجف آباد، ایران

Dr.zahra.jafari@iau.ac.ir

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، ارزیابی اثرگذاری مداخله قصه‌درمانی بر دو متغیر شایستگی اجتماعی-هیجانی و باورهای غیرمنطقی در کودکان طلاق بود. این مطالعه در قالب یک طرح شبه‌آزمایشی با پیش‌آزمون، پس‌آزمون و دوره پیگیری بر روی ۳۰ کودک ۱۰ تا ۱۲ ساله در شهر اصفهان اجرا شد. پس از جایگذاری تصادفی شرکت‌کنندگان در دو گروه مداخله و کنترل (هر گروه ۱۵ نفر)، برنامه قصه‌درمانی در ۱۲ جلسه (هر جلسه ۳۰ دقیقه، ۲ بار در هفته به مدت ۶ هفته) برای گروه مورد مداخله اجرا گردید. جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های شایستگی اجتماعی-هیجانی دانش آموزان (Zo & J, 2012) و باورهای غیرمنطقی کودک و نوجوان (Bernard, 1988) استفاده شد و تحلیل‌ها از طریق آزمون تحلیل واریانس آمیخته با اندازه‌گیری‌های تکراری صورت گرفت. نتایج تحلیل‌ها نشان داد که قصه‌درمانی به‌طور معناداری باعث بهبود شایستگی اجتماعی-هیجانی و کاهش باورهای غیرمنطقی در گروه مداخله در مقایسه با گروه گواه شده است ($p < 0/05$). همچنین، تأیید اثر متقابل زمان و گروه، پایداری و اثربخشی این مداخله را تأیید نمود. یافته‌های این پژوهش گویای آن است که استفاده از روایت‌های داستانی با فراهم کردن بستری برای درک عمیق‌تر تجربیات زیسته، گامی موثر در جهت اصلاح الگوهای شناختی و ارتقای سلامت روان کودکان طلاق محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: قصه‌درمانی، شایستگی اجتماعی-هیجانی، باورهای غیرمنطقی، کودکان طلاق.

مقدمه

امروزه روند صعودی فروپاشی خانواده و پدیده طلاق در جوامع مختلف، از جمله ایران، به دغدغه‌ای جدی تبدیل شده است که پیامدهای مخرب آن بیش از همه متوجه فرزندان می‌شود. طلاق والدین با ایجاد بی‌ثباتی در ساختار خانواده، روند رشد طبیعی کودک را مختل کرده و وی را در معرض آسیب‌های روان‌شناختی شدیدی قرار می‌دهد (Zou et al, 2026). در این شرایط بحرانی،



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 Septembre 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

شایستگی هیجانی-اجتماعی به عنوان سازه‌ای بنیادین، زیربنای توانمندی کودکان در شناسایی، تنظیم هیجانات و برقراری روابط سازنده را تشکیل می‌دهد (Saarni, 1999).

این ظرفیت چندبعدی بر اساس مدل گلمن (1995، 2006) تبیین شده است که در آن، شایستگی هیجانی-اجتماعی به دو حوزه اصلی «شایستگی شخصی» و «شایستگی اجتماعی» تقسیم می‌شود. حوزه شایستگی شخصی، دربرگیرنده مؤلفه‌هایی چون خودآگاهی (شامل آگاهی هیجانی، خودارزیابی دقیق و اعتماد به نفس)، خودتنظیمی (شامل خودکنترلی، قابلیت اعتماد، وظیفه‌شناسی، سازگاری و نوآوری) و انگیزش (شامل پیشرفت‌طلبی، تعهد، ابتکار و خوش‌بینی) است. در مقابل، حوزه شایستگی اجتماعی بر همدلی (درک دیگران، جهت‌گیری خدمت، بهره‌گیری از تنوع و آگاهی سیاسی) و مهارت‌های اجتماعی (نفوذ، ارتباطات، مدیریت تعارض، رهبری، تسهیل تغییر، پیوندسازی و همکاری تیمی) متمرکز است. فقدان این مهارت‌های حیاتی در فرزندان طلاق، احتمال بروز مشکلات روانی و رفتاری را افزایش داده و به‌طور مستقیم مانع از همسویی و انطباق بهینه کودک با محیط پیرامون می‌گردد (کوهی، ۱۴۰۴؛ Collaborative for Academic, Social, and Emotional Learning, 2020).

تداوم این نابسامانی‌های هیجانی و عدم توانایی در مدیریت استرس‌های ناشی از جدایی والدین، اغلب بستر مناسبی برای شکل‌گیری باورهای غیرمنطقی و افکار ناکارآمد فراهم می‌آورد. این باورها بر اساس نظریه عقلانی-هیجانی-رفتاری (REBT) الیس (۱۹۶۲) و مدل ABC-DE، به عنوان هسته اصلی اختلالات هیجانی شناخته می‌شوند. طبق این رویکرد، آشفتگی‌های هیجانی و رفتاری کودک (C)، نه به‌طور مستقیم از رویدادهای تحریک‌کننده مانند طلاق والدین (A)، بلکه حاصل باورهای غیرمنطقی و ارزیابی‌های ناکارآمد فرد درباره آن رویدادها (B) است (Ellis, 1957). به عبارت دیگر، این تفسیر و ارزیابی ذهنی از اتفاقات است که تعیین‌کننده هیجانات کودک است، نه خودِ رویداد طلاق.

در این چارچوب نظری، هدف نهایی، شناسایی، به چالش کشیدن و جایگزینی این باورهای صلب و غیرمنطقی با الگوهای تفکری منطقی و انعطاف‌پذیر است؛ فرایندی که از طریق مناظره و به چالش کشیدن باورها (D) آغاز شده و به ایجاد یک اثر شناختی و هیجانی جدید و سازگارانه (E) ختم می‌شود. باورهای ناکارآمد در کودکان طلاق، به دلیل عدم همخوانی با واقعیت‌های عینی، به عنوان سدی سخت در برابر رشد عادی مهارت‌های اجتماعی و عملکرد بهینه آنان عمل می‌کنند (شریف‌آرا و همکاران، ۲۰۲۴؛ Tomei & Tomba, 2026). در واقع، رابطه متقابل میان کاهش شایستگی‌های هیجانی-اجتماعی و تقویت باورهای غیرمنطقی، یک چرخه معیوب ایجاد می‌کند که در نهایت منجر به کاهش کیفیت زندگی و بهزیستی کودکان طلاق می‌گردد.

با توجه به پیوستگی این متغیرها در سلامت روان، نیاز به مداخلات روان‌شناختی اثربخشی که بتواند به طور هم‌زمان بر این ابعاد اثر بگذارد، بیش از پیش احساس می‌شود. در این راستا، قصه‌درمانی با بهره‌گیری از استعاره‌های درمانی و ایجاد فضایی امن برای بازسازی روایت‌های زندگی، مسیری هموار برای ارتقای شایستگی‌های هیجانی-اجتماعی فراهم کرده، این درمان از طریق استعاره‌ها، هم ابعاد شخصی مانند خودآگاهی و هم ابعاد اجتماعی مانند همدلی را تقویت می‌کند و از این طریق بر تعدیل باورهای غیرمنطقی اثر می‌گذارد (اسمعیلی، ۱۴۰۳؛ عبدی و همکاران، ۲۰۲۵). قصه‌درمانی فراتر از یک ابزار سرگرمی، مکانیزمی برای برون‌ریزی عاطفی و معنابخشی به تجارب زیسته است که با الهام از رویکردهای پساساختارگرایانه، به کودک کمک می‌کند هویت تازه‌ای در مواجهه با



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین‌المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 September 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

تروماهای زندگی بسازد (Asteroid Health, 2025; White & Epston, 1990). لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی قصه‌درمانی بر شایستگی هیجانی-اجتماعی و باورهای غیرمنطقی در کودکان طلاق طراحی و اجرا شد.

روش تحقیق

طرح پژوهش و شرکت‌کنندگان

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش کمی و در قالب طرح شبه-آزمایشی (پیش‌آزمون-پس‌آزمون و پیگیری با گروه کنترل) به اجرا درآمد. شرکت‌کنندگان این پژوهش، ۳۰ کودک ۱۰ تا ۱۲ ساله در وضعیت طلاق والدین بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. این افراد به صورت تصادفی در دو گروه مداخله (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) جای‌دهی گردیدند.

به منظور کنترل متغیرهای مزاحم و افزایش دقت پژوهش، ملاک‌های ورود به مطالعه شامل این موارد بود: ۱. تایید وضعیت طلاق والدین بر اساس مدارک شناسنامه‌ای یا گزارش سرپرست قانونی؛ ۲. قرار داشتن در بازه سنی ۱۰ تا ۱۲ سال؛ ۳. عدم ابتلا به اختلالات روانی (بر اساس مصاحبه بالینی اولیه)؛ و ۴. عدم دریافت همزمان مداخلات روان‌شناختی، مشاوره‌ای یا دارویی در طول دوره پژوهش. همچنین، در صورت بروز مواردی نظیر عدم پایبندی به پروتکل درمانی (غیبت بیش از دو جلسه)، تداخل مداخلات دارویی یا روان‌شناختی موازی، عدم تمایل به ادامه همکاری یا بروز موانع بالینی و جسمی حاد، شرکت‌کنندگان از روند پژوهش خارج گردیدند.

ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها

در این پژوهش، «قصه‌درمانی» به عنوان متغیر مستقل و «شایستگی هیجانی-اجتماعی» و «باورهای غیرمنطقی» به عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته شدند. ابزارهای مورد استفاده عبارت بودند از:

۱. پرسشنامه شایستگی هیجانی-اجتماعی دانش‌آموزان (Zo & J, 2012): این ابزار شامل ۲۵ گویه بر اساس طیف شش‌درجه‌ای لیکرت است. در مطالعه اولیه، برازش مدل پنج‌عاملی و روایی ملاکی (پیش‌بین) از طریق همبستگی مثبت با عملکرد تحصیلی تایید شد و ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۱ گزارش گردید.

۲. پرسشنامه باورهای غیرعقلانی کودک و نوجوان (Bernard, 1988): این مقیاس شامل ۲۸ گویه با طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت است. روایی سازه و محتوایی این ابزار بر اساس چارچوب نظری درمان عقلانی-هیجانی-رفتاری (REBT) تایید شده و ضریب آلفای کرونباخ آن در مطالعه اولیه ۰/۸۱ گزارش شده است (Bernard & Cronan, 1999).

روند اجرا و تحلیل

پژوهش در سه مرحله پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری اجرا شد. در مرحله نخست، هر دو گروه پرسشنامه‌های مذکور را تکمیل نمودند. سپس، گروه مداخله به مدت یک ماه و نیم (هر هفته دو جلسه)، تحت ۱۲ جلسه ۳۰ دقیقه‌ای «قصه‌درمانی» (طراحی شده توسط جدیدی و چوبتاشانی، ۱۳۹۷) قرار گرفتند، در حالی که گروه کنترل هیچ‌گونه مداخله‌ای دریافت نکردند. پس از اتمام دوره، پس‌آزمون برای هر دو گروه اجرا شد و سرانجام، یک ماه پس از اتمام مداخله، مرحله پیگیری به منظور ارزیابی پایداری اثرات



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 Septembre 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

قصه درمانی به عمل آمد. شایان ذکر است که تمامی شرکت کنندگان پیش از آغاز پژوهش، با اهداف مطالعه و ملاحظات اخلاقی آشنا شده و رضایت آگاهانه خود را اعلام نمودند.

یافته ها

ویژگی های جمعیت شناختی

نمونه آماری این پژوهش مشتمل بر ۳۰ کودک طلاق بود که به روش تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (هر گروه ۱۵ نفر) جایگزین گردیدند. نتایج تحلیل توصیفی نشان داد که توزیع جنسیتی در هر دو گروه متوازن است؛ به گونه ای که در گروه آزمایش ۵۳.۳٪ دختر و ۴۶.۷٪ پسر، و در گروه کنترل ۴۶.۷٪ دختر و ۵۳.۳٪ پسر حضور داشتند. همچنین، میانگین سنی شرکت کنندگان در گروه آزمایش ۱۰.۴۶ سال (با انحراف معیار ۱.۱۲) و در گروه کنترل ۱۰.۶۰ سال (با انحراف معیار ۱.۰۵) بود. با توجه به دامنه سنی ۱۰ تا ۱۲ سال و عدم تفاوت معنادار در این شاخص ها، می توان اذعان داشت که هر دو گروه از نظر سن و جنسیت کاملاً همگن هستند و این امر از ورود متغیرهای مزاحم به نتایج پژوهش جلوگیری نموده است.

پیش فرض های آماری پژوهش

پیش از تحلیل داده ها، پیش فرض های لازم برای اجرای آزمون تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون شاپیرو-ویلک نشان داد که توزیع داده ها برای تمامی متغیرها در هر سه مرحله (پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری) نرمال است ($p < 0.05$). همچنین، آزمون لوین همگنی واریانس ها و آزمون موچلی کروی بودن داده ها را تأیید نمود ($p < 0.05$)؛ لذا استفاده از آزمون های پارامتریک و تحلیل واریانس در سطح معناداری ۰.۰۵ توجیه شد.

جدول: میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش در سه مرحله اندازه گیری

پیگیری	پس آزمون	پیش آزمون	گروه	متغیر
85.40 ± 6.25	88.15 ± 5.90	64.20 ± 7.30	آزمایش	شایستگی هیجانی-اجتماعی
65.80 ± 7.00	66.10 ± 7.15	65.50 ± 6.80	کنترل	
66.75 ± 7.85	64.30 ± 7.20	92.80 ± 10.50	آزمایش	باورهای غیرمنطقی
91.85 ± 9.95	92.10 ± 10.15	91.40 ± 9.80	کنترل	

یافته های استنباطی و آزمون فرضیات

جهت پاسخ به فرضیات پژوهش، از تحلیل واریانس آمیخته با اندازه گیری مکرر استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل اثرات اصلی و تعاملی نشان داد که در هر دو متغیر شایستگی هیجانی-اجتماعی و باورهای غیرمنطقی، اثر تعاملی «زمان × گروه» در سطح بسیار قرار دارد. این یافته حاکی از آن است که الگوی تغییر نمرات در گروه آزمایش به طور معناداری با گروه ($p < 0.001$) معناداری کنترل متفاوت بوده و مداخله قصه درمانی توانسته است تغییرات مثبت را در شاخص های روان شناختی کودکان ایجاد نماید.



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 Septembre 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

برای هر سه متغیر به ترتیب ۰.۸۴ (شایستگی) و ۰.۹۱ (باورهای غیرمنطقی) گزارش شد که بر η^2 همچنین، مقادیر اندازه اثر اساس معیارهای کوهن، نشان دهنده قدرت اثرگذاری بسیار بالای این مداخله است

تحلیل های تکمیلی با استفاده از آزمون تعقیبی بنفرونی، روند تغییرات را در سه مرحله اندازه گیری روشن ساخت. مقایسه مرحله کاملاً معنادار بود که بیانگر اثرگذاری مستقیم و سریع جلسات $p < 0.001$ پیش آزمون و پس آزمون در هر سه متغیر در سطح ، اما مقایسه ($p < 0.05$) قصه درمانی است. اگرچه در مقایسه پس آزمون با مرحله پیگیری، افت جزئی در نمرات مشاهده شد معنادار باقی مانده اند. این امر اثبات می کند که $p < 0.001$ پیش آزمون با مرحله پیگیری نشان داد که تفاوت ها همچنان در سطح اثرات مثبت مداخله قصه درمانی در ارتقای تاب آوری و شایستگی و کاهش باورهای غیرمنطقی، حتی پس از یک ماه از اتمام درمان، به طور پایداری حفظ شده است. بر این اساس، هر دو فرضیه پژوهش تأیید می گردد

جدول: نتایج تحلیل واریانس آمیخته و آزمون تعقیبی بنفرونی برای متغیرهای پژوهش

وضعیت فرضیه	η^2	p	F / تفاوت میانگین	منبع اثر / مقایسه	متغیر
تأیید شد	۰.۸۴	< ۰.۰۰۱	۱۵۲.۶۴	تعامل زمان × گروه	شایستگی هیجانی-اجتماعی
رشد معنادار	---	۰.۰۰۱	-۲۳.۹۵		پیش ← پس
پایداری اثر	---	۰.۰۰۱	-۲۱.۲۰		پیش ← پیگیری
تأیید شد	۰.۹۱	< ۰.۰۰۱	۲۵۴.۱۸	تعامل زمان × گروه	باورهای غیرمنطقی
کاهش معنادار	---	۰.۰۰۱	+۲۸.۵۰		پیش ← پس
پایداری اثر	---	۰.۰۰۱	+۲۶.۰۵		پیش ← پیگیری

بحث و نتیجه گیری

یافته های پژوهش حاضر نشان داد که مداخله قصه درمانی به طور معناداری بر ارتقای شایستگی هیجانی-اجتماعی و کاهش باورهای غیرمنطقی در کودکان طلاق اثرگذار بوده است. ($p < 0.05$) این نتایج، تأییدی بر این ادعاست که رویکرد قصه درمانی می تواند به عنوان یک ابزار حمایتی و درمانی مؤثر، خلأهای عاطفی و شناختی ایجاد شده در اثر فروپاشی خانواده را پوشش دهد. نتایج به دست آمده با طیف گسترده ای از مطالعات داخلی و خارجی، از جمله پژوهش های گونوارادنا و کوپولا (2024)، لارنس (2019) و ساپرا (2018)، هاگه (2016)، مدیگان (2011)، همسویی دارد که این امر، تکرارپذیری و اعتبار نتایج پژوهش حاضر را در بافت های فرهنگی مختلف تأیید می کند.



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 Septembre 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

در تحلیل مکانیسم اثرگذاری قصه درمانی، می توان اذعان داشت که این روش از طریق برقراری پیوند عاطفی میان کودک و شخصیت های داستان، بستری امن برای شناسایی و پردازش هیجانات فراهم می آورد. این فرایند به طور مستقیم بر مؤلفه های «شایستگی شخصی» در مدل گلن اثر می گذارد؛ به گونه ای که کودک با مشاهده تعاملات شخصیت های داستان، الگوهای رفتاری سازگارانه تر را می آموزد و توانایی خود در زمینه های خودآگاهی و خودتنظیمی را ارتقا می بخشد (شاه محمدی، ۱۴۰۳). در واقع، قصه درمانی با بهره گیری از تخیل و خلاقیت، کودک را از حالت انفعال خارج کرده و او را به سوی یادگیری فعال مهارت های اجتماعی سوق می دهد.

الیس تبیین کرد. در ABC-DE از سوی دیگر، اثربخشی قصه درمانی در کاهش باورهای غیرمنطقی را می توان در چارچوب مدل (C) همراه است که منجر به آشفتگی های هیجانی (B) اغلب با باورهای ناسازگار و صلب (A) کودکان طلاق، رویداد جدایی والدین را ایفا می کند؛ به این معنا که کودک بدون (D) «می گردد. قصه درمانی از طریق استعاره ها و روایت های اصلاحی، نقش «مناظره احساس تهدید، باورهای غیرمنطقی خود را در قالب داستان به چالش می کشد و در نهایت به یک اثر شناختی و هیجانی جدید و دست می یابد. این تحول در الگوهای فکری، سد راه رشد مهارت های اجتماعی را برداشته و کیفیت زندگی کودک (E) سازگارانه را بهبود می بخشد.

به نظر می رسد شرکت کنندگان در طی جلسات قصه درمانی به این باور رسیده اند که توانایی غلبه بر چالش های زندگی را دارند. همین احساس توانمندی، موتور محرکی برای ارتقای شایستگی های هیجانی-اجتماعی و جایگزینی باورهای منطقی به جای الگوهای ناسازگار بوده است. یافته های کمی پژوهش حاضر در کنار تحلیل های کیفی و مشاهدات بالینی، تأیید می کنند که قصه درمانی نه تنها یک ابزار حمایتی، بلکه یک مکانیسم بازسازی شناختی است که کودک را قادر می سازد هویت تازه ای در مواجهه با تروماهای زندگی بسازد.

یافته های تکمیلی و تحلیل های بالینی

علاوه بر نتایج کمی، تحلیل داده های حاصل از مصاحبه های نیمه ساختاریافته و مشاهدات بالینی پژوهشگر، بینش های عمیق تری را در خصوص مکانیسم اثرگذاری قصه درمانی فراهم آورد. یافته های کیفی نشان داد که شرایط زیستی کودکان طلاق و مؤلفه های فرهنگی حاکم بر نظام خانواده آنان، نقشی کلیدی در ریشه یابی و پایداری باورهای غیرمنطقی ایفا می کند. این داده های کیفی کمک کردند تا مشخص گردد چرا در برخی از شرکت کنندگان، تغییر در سطح مهارت های هیجانی-اجتماعی با سرعت بیشتری نسبت به سایرین رخ داده است؛ چرا که قصه درمانی امکان شخصی سازی روایت ها را فراهم کرده و راهکارهای مقابله ای را متناسب با نیازهای منحصر به فرد هر کودک طراحی می نماید.

همچنین، مشاهدات پژوهشگر در طول اجرای جلسات حاکی از آن بود که تلفیق روش قصه گویی با رویکردهای خلاقانه نظیر تصویرسازی، نمایش و بازی، به طور معناداری اشتیاق و مشارکت فعال کودکان را در فرآیند درمان افزایش داد. برقراری این پیوند عاطفی و پویا میان درمانگر و کودک، نه تنها بستری برای ارتقای شایستگی های هیجانی-اجتماعی فراهم آورد، بلکه زمینه ساز شناسایی و تعدیل باورهای غیرمنطقی در این کودکان شد. از دیدگاه بالینی، یکی از ارزشمندترین یافته های جانبی این پژوهش، بهبود محسوس در «مهارت همدلی» و «توانایی درک متقابل» در گروه مداخله بود. این امر تبیین می کند که مداخلات

روان شناختی هدفمند، هنگامی که با متدهای جذاب و متناسب با دنیای کودکان (مانند استعاره های داستانی) اجرا شوند، می توانند تأثیرات مثبت همه جانبه ای بر ابعاد شناختی و عاطفی کودکان طلاق داشته و در نهایت، کیفیت کلی زندگی و بهزیستی آنان را ارتقا بخشند.

نتیجه گیری و پیشنهادات

نتیجه گیری

یافته های پژوهش حاضر مؤید آن است که قصه درمانی به دلیل ماهیت جذاب و سازگار با دنیای تخیل کودکان، ابزاری کارآمد و اثربخش در ارتقای شایستگی های هیجانی-اجتماعی و تعدیل باورهای غیرمنطقی در کودکان طلاق است. این مداخله با ایجاد فضای امن و بازنمایی تجارب زیسته در قالب داستان، توانست الگوهای شناختی ناکارآمد را به چالش کشیده و مسیر رشد مهارت های بین فردی و تنظیم هیجانی را هموار سازد. بر این اساس، می توان قصه درمانی را به عنوان یک مداخله حمایتی و درمانی هدفمند، به متخصصان روان درمانی کودک و مشاوران توصیه کرد تا از این رویکرد در راستای بهبود سلامت روان و ارتقای کیفیت زندگی کودکان آسیب دیده از فروپاشی خانواده بهره بگیرند.

محدودیت های پژوهش

علیرغم تلاش های گسترده برای کنترل متغیرها، پژوهش حاضر با محدودیت هایی مواجه بود. نخست، چالش های مربوط به مشارکت، از جمله نوسان در تداوم حضور برخی کودکان و دشواری در جلب پذیرش کامل والدین در تمامی مراحل مداخله، از جمله موانع اجرای پروتکل بود. دوم، با توجه به اینکه جامعه آماری پژوهش محدود به ناحیه ۳ شهر اصفهان بود، تعمیم نتایج به سایر بافت های فرهنگی و جغرافیایی باید با احتیاط همراه باشد. سوم، محدودیت بازه زمانی در ارزیابی اثرات بلندمدت، مانع از بررسی دقیق تر پایداری تغییرات در بازه های زمانی طولانی تر شد. در نهایت، تأثیرپذیری شدید کودکان از متغیرهای محیطی، فرهنگ خانوادگی و تعاملات روزمره، کنترل کامل تمامی عوامل مزاحم را برای پژوهشگر دشوار می ساخت.

پیشنهادهای

در راستای کاربردهای عملی این پژوهش، پیشنهاد می گردد مدارس و مراکز آموزشی با طراحی کارگاه های تخصصی بر محوریت ارتقای اعتماد به نفس، مدیریت خشم و تفکر مثبت گرا، بستری حمایتی برای دانش آموزان طلاق فراهم آورند. همچنین، گسترش رویکرد قصه درمانی به عنوان یک متد جایگزین یا مکمل در مراکز بهزیستی و روان شناختی، می تواند به بهبود وضعیت روان شناختی کودکان در گروه های مختلف آسیب دیده کمک کند. علاوه بر این، توانمندسازی والدین از طریق برنامه های آگاه سازی در زمینه شناسایی باورهای غیرمنطقی و تقویت شایستگی های هیجانی فرزندان، برای ایجاد یک محیط حمایتی در خانه ضروری است.

از منظر پژوهشی، توصیه می شود در مطالعات آتی جهت ارتقای قدرت آماری و تعمیم پذیری نتایج، از حجم نمونه های بزرگ تر و گستره جغرافیایی وسیع تر استفاده شود. همچنین، بررسی متغیرهای مکمل نظیر اضطراب جدایی، عزت نفس و کیفیت پیوند با والدین، در کنار بررسی اثرات قصه درمانی در قومیت های مختلف، می تواند ابعاد تازه ای از این مداخله را روشن سازد. در نهایت، به کارگیری رویکردهای تلفیقی (مانند ترکیب قصه درمانی با هنر درمانی یا CBT) و ارزیابی پایداری اثرات در بازه های زمانی طولانی تر، می تواند به درک عمیق تری از مکانیسم اثرگذاری این روش در گروه های سنی مختلف منجر گردد.

منابع

- اسمعیلی، وحید. (۱۴۰۳). تأثیر قصه‌درمانی بومی بر عملکرد شناختی و مهارت خودکنترلی دانش‌آموزان دوره اول ابتدایی شهرستان ساری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی ادیب مازندران.
- جدیدی، هوشنگ؛ چوبتاشانی، مریم (۱۳۹۷). اثربخشی قصه درمانی به شیوه گروهی بر کاهش اضطراب جدایی دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهرستان موچش. سومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و رفتاری.
- شاه محمدی، بهاره. (۱۴۰۳). اثربخشی قصه‌درمانی بر درماندگی آموخته‌شده در کودکان کار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.
- کوهی، فاطمه. (۱۴۰۴). بررسی رابطه علی شناخت اجتماعی و هیجان‌های مثبت تحصیلی با توانایی شناختی و عملکرد تحصیلی با میانجیگری شایستگی هیجانی و اجتماعی در دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- Abdi, F., Karamoozian, A., Lotfilou, M., Gholami, F., Shaterian, N., Abasi Niasar, A., Aghapour, E., & Jandaghian-Bidgoli, M. (2025). **Effect of play therapy and storytelling on the anxiety level of hospitalized children: A randomized controlled trial**. BMC Complementary Medicine and Therapies, 25(1), 23.
<https://doi.org/10.1186/s12906-025-04767-4>
- Asteroid Health. (2025, January 30). **The role of storytelling in mental health recovery**.
<https://www.asteroidhealth.com/blog/the-role-of-storytelling-in-mental-health-recovery>
- Bernard, M., Cronan, F. (1988). **The Child and Adolescent Scale of Irrationality**. Validation Data and Mental Health Correlates. In J Cogn Psychother 13, pp. 121–132. DOI: 10.1891/0889-8391.13.2.121.
- Collaborative for Academic, Social, and Emotional Learning. (2020). **CASEL's SEL framework: What are the 5 core competence areas and where are they promoted?** <https://casel.org/fundamentals/what-is-sel>
- Ellis, A. (1957). **Rational psychotherapy and individual psychology**. Journal of Individual Psychology, 13, 38-44.
- Goleman, D. (1995). **Emotional intelligence: Why it can matter more than IQ**. New York: Bantam Books.
- Goleman, D. (2006). **Social intelligence: The new science of human relationships**. New York: Bantam Books
- Gunawardena, M., & Koivula, M. (2024). **Children's social-emotional development: The power of pedagogical storytelling**. International Journal of Early Childhood, 56, 625–646. [https://doi.org/\[insert-doi-if-available\]](https://doi.org/[insert-doi-if-available])
- Hage, S. (2016). **The effect of bibliotherapy on dysfunctional cognitions and emotional regulation**. PubMed Central (PMC).
- Lawrence, J. (2019). **How storytelling enhances social emotional learning in early childhood**.
- Madigan, S. (2011). **Narrative therapy: A brief overview of the clinical application**. Journal of Narrative Research, 12(2), 45-60.
- Saarni, C. (1999). **The development of emotional competence**. New York: Guilford Press.
- Sapra, R. (2018). **Social and emotional wellbeing of children: Facilitating role of bibliotherapy**. International Journal of Science and Research (IJSR), 7(9), 1827.
- Sharif Ara, B., Khosropour, F., & Molayi Zarandi, H. (2024). **Effectiveness of neurofeedback therapy on emotional processing, irrational beliefs, and aggression in female patients with generalized anxiety disorder**. Applied Family Therapy Journal, 5(1), 202-210. <http://dx.doi.org/10.61838/kman.aftj.5.1.22>
- Tomei, G., & Tomba, E. (2026). **Network analysis of eating disorders (NAMED): An exploratory study of symptom configuration at different stages of illness**. Journal of Eating Disorders, 14, Article 14.
<https://doi.org/10.1186/s40337-026-01491-9>
- White, M., & Epston, D. (1990). **Narrative means to therapeutic ends**. W. W. Norton & Company.
- Zhou, M., & Ee, J. (2012). **Development and validation of the Social Emotional Competence Questionnaire (SECQ)**. The International Journal of Emotional Education.
- Zou, X., Lv, Y., Wang, S., Zhang, L., Ma, Z., Liu, G., & Tao, Y. (2026). **The impact of parental divorce on the comorbidity of depression and social anxiety symptoms in adolescents and young adults: Evidence from symptom and Bayesian network analysis**. BMC Public Health, 26, Article 1126.
<https://doi.org/10.1186/s12889-026-26776-9>



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 Septembe 2026 -TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir